

طرح پیشنهادی درباره عمرانهای ناحیه‌ای

از ظهور انقلاب صنعتی و تحولات دموگرافیک که بدنبال آن در جهان متمدن روی داد موضوع بهره‌برداری از منابع اقتصادی و آبادانی مناطق مختلف کره زمین با اهمیتی خاص برای کشور مطرح گردید و عمران صورت و جهت تازه بخود گرفت. دانش بهره‌برداری انسانها روبه‌کمال میرفت اما هر منطقه امکانات و استعدادات خاصی داشت و در هر حال و تحت هر رژیم سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای بسبب استعدادات و تسهیلات طبیعی خود از منطقه دیگر که فاقد آنها بود پیش می‌افتاد و همای نیک بختی و رفاه اقتصادی و سعادت زودتر بر جامعه آن بال و پر میگسترده. باین ترتیب سرزمینهای مختلف رشدی همدوش نداشته و ناموزونی خاصی از لحاظ درجه عمران در آنها بچشمی خورد. بهره‌برداری از منابع مناطقی تحت عنوان مستعمرات این رشته ناموزون را بنفع سرزمینهای مستعمره دار تشدید کرد بطوریکه بعضی مناطق رفته رفته تبدیل بمراکز تهیه مواد خام و اولیه شدند و بعضی دیگر مراکز صنعت و محل تغییر و تبدیل آن مواد را تشکیل دادند باین ترتیب در کره خاکی تباینی بسیار میان مراکز صنعتی و مراکز تهیه مواد خام و اولیه پدید آمد. این حالت که جنبه‌ای جهانی داشت در مقیاس ناحیه‌ای و مملکتی نیز تغییر ماهیت نمیدهد و تفاوت آن جنبه کیفی دارد باین معنی که در داخله یک کشور همه نیروها برای بهره‌برداری از نواحی مستعد و مناسب باینکار چه در زمینه زراعی و چه در زمینه صنعتی بفرمان و ابتکار یک قدرت اداری مرکزی و یایک مرکز اقتصادی بسیج گردید. جالب آنکه گاهی سطح زندگی و رفاه عمومی در مناطق مورد

نظر بنفع مراکز تجمع بزرگ شهری رشدی چندان نکرد و در نتیجه مناطق مختلف يك کشور گرفتار همان تباین از لحاظ درجه عمران شدند .

درین میان چه درمقیاس جهانی و چه درمقیاس ناحیه ای مناطقی بودند که بمعنی دقیق کلمه آباد نشدند و توسعه نیافتند و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی رشدی محسوس در نظام زندگی مردم آن پدید نیامد . در این مناطق تباین فوق الذکر محسوستر و چشم گیر تر بود .

اگر حوادث ناشی از دو جنگ جهانی اخیر و ناموزونیهای اقتصادیات رخ نمی نمود، اگر وضع سکنه جهان و سطح زندگی انسانهای آن درین نیمقرن بهمان نسق می ماند، اگر بهداشت عمومی توسعه نمی یافت و جمعیت جهان روزافزون نمی شد و خلاصه اگر قدرتهای اقتصادی جهانی و ناحیه ای رشد تازه ای را خواستار نمی شدند و سطح تولید و میزان مصرف دگرگون نمی شد و بالا و بالاتر و بالاتر نمی رفت عمران نواحی عقب مانده یا توسعه نیافته بمانند امروز نیز مورد توجه قرار نمی گرفت . اما مقتضیات جزاین بود .

درباره ملاک تشخیص مناطق آباد نشده یا توسعه نیافته سخن فراوان گفته شده و نظریات بسیار ابراز گردیده است . از آنجا که این اصطلاح بهر حال اعتباری و قیاسی است آوردن يك تعریف جامع و مانع مشکل است مسلم آنست که در مقیاس جهانی امروز بخش عمده ای از آسیا و آفریقا و خاصه خاورمیانه و نزدیک و امریکای لاتین خاصه جزائر و کشورهای اطراف دریای کارائیب در زمره مناطق آباد نشده و توسعه نیافته اند و درمقیاس ناحیه ای برای ما ایرانیان سیستان و بلوچستان و تاحدود زیادی کرمان شواهد و امثله ای مناسب اند .

سخن ما بر سر این نیست که حدود آبادانی و عمران کدامست و ملاک آن چیست . علمای جامعه شناس و اقتصاد یون بنام ضابطها و شاخصهای خاصی مانند درآمدها و وسایل تولید و وضع تولد و مرگ و میر و عمر متوسط و غیره برای اینکار شناخته اند . موضوع اصلی درین سطور ازین مرحله فراتر و مربوط به هنگامی است که بكمك

هر نوع شاخص و ضابط و معیار قیاسی که فرض کنیم عدم باروری نیروها و استعدادات منطقه‌ای مسلم شده و درصدد مطالعه و بررسی آن می‌باشیم .

بخشها و سازمانهای اقتصادی و عمرانی ملی و دولتی از بعد از جنگ جهانی دوم و خاصه در دهسال اخیر برای سر و سامان دادن و رونق بخشیدن و گاهی هم احیاء و ایجاد اقتصادیات مناطق مختلفهٔ ایران کوششهای مختلفی بخرج داده‌اند لکن تا آنجا که برنگارنده معلوم شده نتایج مورد انتظار و منظوره‌های غائی حاصل نشده و بدست نیامده‌اند و این بدو علت بوده است :

۱- عدم وجود يك سازمان مرکزی برای یکجا کردن کلبهٔ مطالعات و استخراج نتایج لازم از آنها .

۲- سستی مبانی کارهای نظری و مطالعات اولیه .

اعترافاتی که مسؤولین امر بعضاً در زمینهٔ بسرانجام نرساندن برنامه‌های چند ساله در ایران از خود بیاد گار گذاشته‌اند با همهٔ تلخی خود مبین این نکته است که اشتباهاتی در **طرز کار و طرح آن و ابزار کار** وجود دارد .

مؤسسات تحقیقات اجتماعی و بررسی‌ها و مطالعات آماری چندسالهٔ اخیر بخشی از تقایص کار را جبران می‌کند. لکن مقداری از مسامحات و تساهلات نتیجهٔ بی‌اعتنائی به **مبانی جغرافیائی و موارد مطالعهٔ لازم جهت تحقیقات اجتماعی و عمرانهای ناحیه‌ای** و عدم تجهیز مأموران و بررسی‌ها به طرخی جامع جهت انجام این مهم است. طرخی که به پیوست و ذیلاً تقدیم خوانندگان و مقامات مربوط می‌شود برای رفع این نقص تهیه شده است و جنبه‌ای علمی و عملی دارد. این کلیدی است که می‌تواند برای گشودن طلسم عمرانهای ناحیه‌ای بکار رود و هر محقق و بررسی‌را در کار خود مدد کرده و هر سازمان عمرانی را در پایان کار موفق بدارد .

مبنای عمرانهای ناحیه‌ای شناسائی جغرافیائی و اجتماعی ناحیهٔ مورد نظر است. تنها آن زمان می‌توان بتجویز داروئی دست برد که خود بیماری و نوع آن معلوم و مشخص شده باشد. این کار شناسائی ناحیه‌ای بی‌مدد جغرافی‌دان (بمعنائی که

دنیای علم امروز از آن اراده می کند و دور از مفهومی که بدانش آموزان القاء می کنند) در هیچ کشوری از جهان صورت نپذیرفته است و وجود یک مرکز تحقیقات جغرافیائی در هر سازمان اقتصادی از لوازم ابتدائی کار است که متأسفانه سازمانهای عمرانی، فاقد آن می باشند!

درباره طرح زیر چند نکته محتاج بتوضیح و تذکر است :

الف : اجزاء این طرح باهمه تفصیل ظاهری خود نیاز به تفصیل بمعنای لغوی

کلمه دارند که در صورت لزوم بمرکز اقتصادی ارائه خواهد شد تا

کارآموران و پرسشگران آسان تر شده هدف نویسنده روشن تر گردد.

ب : هیچیک از موارد جغرافیائی مورد مطالعه نبایستی بطور تجربیدی تحقیق

و تدقیق شوند و در هر مورد لازمست ارتباط آن با هدف عمرانی مشخص

گردد در غیر این صورت پژوهنده اسیر قالب جغرافیائی مسئله شده از

هدف منحرف میگردد .

ج : منابع و مراجع جغرافیائی کشور ما ایران در زبان فارسی حقیر و

فقیر و غالباً نارسا و منابع غیر فارسی نیز دور از مقصود و منظورهای

عمرانی تهیه شده اند (جز در یک دو مورد خاص) بنظر نگارنده هیچ

عاملی بقدر مطالعه محلی یعنی مطالعه در محل و منطقه مورد نظر نمی تواند

سازمانهای اقتصادی و عمرانی را در کشف واقعیات کمک کند .

د : اجرای این طرح احتیاج به تقسیم کار به کاملترین وجه دارد .

ه : نتایج کار باید توسط افرادی که جامعیت دارند بررسی و با یک قلم

نگاشته آید .

اینک خود طرح : **مبانی جغرافیائی و موارد مطالعه لازم جهت تحقیقات**

اجتماعی و عمرانیهای ناحیه ای :

۱- تا آنجا که نگارنده می داند در زمان دکتر گراکوی مشاور پلژیکی سازمان

برنامه قرار بود در سازمان برنامه مرکزی جهت **اسناد و مطالعات جغرافیائی** پدید آید.

مقدمات اینکار فراهم شد و لکن این فکر با خروج وی از ایران باربر بست و موضوع تقریباً

منتفی گردید .